

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

یکی از حشاشی که این روزها در محافل سیاسی و در بین ایرانیان خارج از کشور رواج بیشتری یافته، اینست که: «آیا پس از آنکه کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در میانیه مشترکی خواهان مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی شد هاند، میتوان آنان را یکی از نیروهای داخل اپوزیسیون بشمار آورد؟ البته نباید از نظر دور داشت که در شرایطی بقیه در صفحه ۴

از مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه له حمایت کنیم!

نشریه پیشرو شماره ۶ ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له در مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی کوتاه بر فعالیت‌های نظامی پیشمرگان کومه له علیه نیروهای جمهوری اسلامی" در سال ۶۳ با ارائه آمار عملیات نظامی به جمع بندی از یک سال مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه له میبرد از دید نظری بر آمار عملیات پیشمرگان بقیه در صفحه ۱۷

قیام ملی سی تیر

در تاریخ هرملتی لحظات و ایام فراموش نشدنی بسیاری وجود دارد. خاطرات و حوادث بیاد ماندنی فراوانی این روزهای تلخ و شیرین را با سرنوشت ملت‌ها پیوند میدهد و در واقع پلی میسازد بین گذشته، حال و آینده. در تاریخ پر از فرازونشیب میهن ما نیز روزی ۱۳ تیر ماه ۱۳۳۱ از اهمیت تاریخی ویژه‌ای برخوردار بود. همد رستی "روز مقدس ملی" نامیده شد. هاست. تظاهرات عظیم و پرشکوه سی تیر نمایی انگریز تجلی خواستهای برحق ملت بود. امروز میباید که برای کسب آزادی و دفاع از حقوق خویش با رشادت و فداکاری بقیه در صفحه ۲

رابطه حزب توده و

راه کارگر

در تاریخ ۲۷ ژوئن ۸۵ اطلاعیه‌ای از طرف ۵ نیرو (۱- هواداران چریک‌ها، فدائی ۲- پیروان جنبش نوین کمونیستی ۳- هواداران سابق پیکار ۴- جبهه همبستگی ۵- هواداران اتحادیه کمونیست‌ها) در رسیده و پیوسته با رئیس بخش کردید که در آن به توطئه‌ها و کوشش‌ها بقیه در صفحه ۸

خست اول چون نهد معماری کج...

تعیین نرخ ارز و ارتباط آن با رشد اقتصاد و همچنین مشکلاتی که بر اثر اجرای چنین سیاستی گریبانگیر رژیم میشود را مورد بررسی قرار داد هاست. با توجه به دلایل ذکر شده ثابت میشود که بنا بر ماهیت رژیم حل این مشکلات از قدرت وی خارج میباشد رژیم بقیه در صفحه ۲

چندی پیش در زمینه اقتصاد و روزنامه اطلاعات بتاريخ ۸/۲/۶۴ سلسله مقالاتی تحت عنوان "نرخ ارز و تاثیر آن در اقتصاد" به قلم میهن من محمد نوروزی درج گردید. مورد که مطالب مفید در آن قابل توجه میباشد. نویسنده با ذکر آمار و ارقام و بیان دلایل و نمونه‌های زندگی و مملکت مسئله

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

قیام ملی سی تیر

بسیارها خاست و پاشتیانی از رهبر ملی و محبوب خود، تجلیل شایسته‌های از وی بعمل آورد و نشان داد که در مبارزه حق و ناحق و در رسایه اتحاد و یکپارچگی میتوان به پیشروزی نایل آمد.

قیام ملی سی اکتبر ما هرگز زینین است در صفحات تاریخ مبارزات آزاد پخواهله و حق طلبانه ملت ایران. در مورد این روز بزرگ و نقش برجسته در کشور صدق و خدمات ارزشمند وی بمنسوان وطن پرستی آگاه و مدافع سرسخت آزادی، استقلال و دموکراسی که با قاطعیت کم نظیری در برابر استعمار و استبداد قد علم کرد و از دشواریها نهراسید، سخن فراوان است و صرفا نقل و تکرار خاطرات گذشته و تحسین صدق کافی نیست.

آنچه در این رابطه حائز اهمیت بسیار است، نتیجه گیری و آموختن از تجربیات و درسهای گرانبهای آن دوران میباشد. باید ضمن آگاهی دقیق و شناخت صحیح از واقعیات آنزمان و توجه به پیروزیها و شکستها، علل عدم استمرار حکومت ملی و استقلال کشور صدق و نقش مخرب احزاب و نیروها و عناصر ضد ملی و مرتجعی که در این شکست، زینفع و سهیم بودند، مورد نقد قرار گیرد. قیام سی اکتبر نشان داد که هرگاه شرایط مناسب و مساعدی مهیا باشد، اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران از هر طبقه، گروه و صنفی تحت رهبری ملی و دموکراتیک و با همبستگی و اتحاد میتوانند در مقابل دشمنان خارجی و عوامل سرسپرده در داخلیشان مقاومت و ایستادگی نموده و آنانرا مجبور به عقب نشینی نمایند.

از این قیام هر شکوه و ضرور آفرین نه تنها

بقیه از صفحه ۱

خشت اول چون نهد معمار کج ...

اما قبل از پرداختن به این مسئله مبرخی از نکات قابل توجه مقاله منظری میافکنیم:

برای انجام دادن تعادل تجاری بین کشورهای مختلف، مسئله تعیین نرخ رسمی و ثابت برای تبدیل ارزها، از جانب اکثر کشورهای مخصوصا کشورهای جهان سوم عمل بسیار رایجی است. مبنای اصلی این تبدیل و تعیین ارز بر حسب میزان طلای پشتوانه پول صورت میگیرد. و چون این پشتوانه یک امر غیر واقعی است بنا بر این سیاست تشبیه نرخ تبدیل ارز بصورت نرخ ثابت و رسمی صحیح و واقعی نمیشد. با تعیین نرخ ثابت و رسمی ارز، چون صادر کنندگان و وارد کنندگان مجبورند مبادلا

بقیه در صفحه مقابل

جمهوری اسلامی بدلیل اتکای کامل بسسه درآمد تک محصولی نفت است که میتواند بحیات خود ادامه دهد. البته باید متذکر شد با توجه به موضوع گیری جناحهای دینی رژیم، با مطالعه این مقاله خواننده روشن میگردد که نظرات شخص نویسنده با خطوط سیاسی نهضت آزادی و جناح حجتیه همسوس دارد. نویسنده مقاله نیز مانند همفکران خود با وجود مخالفت با سیاستهای جناح مخالف - کهر تصمیم گیریهای سیاسی و اقتصادی اتخاذ شده از جانب رژیم حاکم میباشد - چسبون منافعشان در ادامه بحیات رژیم نرفته است به همکاری خود با آن ادامه داد و در جهت "حل" مشکلات اقتصاد رژیم تلاش مینماید.

قد رتبه‌های استعماری و عوامل سرسپرده شاستند و حشمت نمودند و متوسطه بر علیه آن برخاستند بلکه حزب تودک سازمانی سیاسی بزرگ و متشکل در آنزمان بود، با استفاده از ارگانهای تبلیغاتی خود، شد بدترین حملات و تهمت‌های ناروار بر علیه صدق و بارانش وارد نمود و همزمان با صدور اعلانیه شد بد الحن قوام السلطنه (در تاریخ ۲۷ تیر ۲۱) - که در آن ملیسون و آزاد پخواهان را "آشوبگر" خوانده و مورد تهدید قرار داد بود - این حزب نیز به همصد این باد دشمنان ملت ایران پرداخت و با عنوان کردن اینکه صدق از اردوی - غارتگران و متکی به امپریالیسم جهان‌نحوار بین‌المللی است که فقط منافع آمریکازاد نظر دارد، در حقیقت گوی سبقت از نیروها و عناصر ارتجاعی، مستبد و فاسد را بود و بر جنبش ملی و آزاد پخواهان ملت ایران ضربه بزرگی وارد ساخت. از طرف دیگر متاسفانه صدق و همفکرانش نیز علی‌رغم

کوششها و فداکاریهای بسیار و اتکا به نیروی عظیم ملت به علت برخورد ارنه بودن از بسک نظری علمی و روشن و عدل‌پرناهای دقیق و مدون، فاقد آن شکل سازماندهی بودند که لازمه وضامن رشد و پیروزی هر جنبش ملی - دموکراتیکی میباشد. در نتیجه نتوانستند در مقابل توطئه‌های دشمنان داخلی و خارجی ایران سرانجام موفق گردند.

اکنون که رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی جمهوری اسلامی حتی از نام صدق و حشمت دارد و کلیه نیروهای ملی، مبارز و آزاد پخواه را مورد حمله و سرکوب قرار میدهد، حقانیت و لزوم مبارزات ملی - دموکراتیک بیش از هر زمانی عیانتر میگردد. بهبود نیست که رژیم از قیام ملی سی تیر بنام قیام افتخار آفرین امت مسلمان به رهبری و دعوت آیت الله کاشانی سخن میراند و سعی میکند از این حرکت ملی بفتح خویش بهره‌برداری نماید. ماضن ارج نهادن این روز بزرگ، خاطر سه پر شکوه قیام ملی سی تیر را گرامی میداریم □

بقیه: خشت اول چون نهد معمار کج . . .

ارزی خود را از طریق خرید و فروش ارز بوسیله دولت انجام دهند، بنابراین دولت در هر مورد لهاقتصادی مستقیماً در حالت مینماید. به علت اینکه امکانات تهیه ارز خارجی برای دولت بسیار محدود میباشد و معمولاً تنها از طریق خرید ارز صادر کنندگان نیاز ارزی خود را فراهم میکند. اما این مقدار ارز نمیتواند در خواست ارزی متقاضیان را پاسخ گوید و دولت برای تهیه احتیاجات ارزی خود ناچار است به چاره جویی دست بزند و برای این کار در راه حل را در پیش روی دارد. یک راه حل اینست که از کشورهای دیگر درخواست و اینها را بخواهد. اما این راه حل جابه عمل نخواهد بود پوشید زیرا به علت عدم امکان برگشت این وام از طرف کشور مقروض، هیچ کشور وام دهندهای حاضر به قبول این امر نیست. و با اینکه از طریق استخراج بی رویه منابع معدنی مانند نفت و فروش آن در بازار جهانی مقدار ارز مورد نیاز خود را رفع نماید. البته استخراج بی رویه نفت در ترتیب قیمت آن پایین میآید با پایبستن آمدن قیمت نفت، از قدرت خرید کشورهای دیگر کمترین گاشته میشود و در نتیجه جنس کتری را از کشورهای خارجی میتواند وارد کند. بدین ترتیب ثروت کشورهای صنعتی سرازیر میگردد.

از طرف دیگر مانیکه مرصه جوا بگوی تقاضای عمومی جامعه میباشد تورم وجود میآید و ایجاد این تورم قیمت اجناس داخلی افزایش مییابد. اما به علت ثابت بودن نرخ ارز که از طرف دولت تعیین شد هاست قیمت کالا های وارداتی ارزانتر تمام میشود. بنابراین این مصرف کنندگان بجای استفاده از اجناس داخلی با جناس خارجی روی آورند و

این امر افزایش واردات و زمین رفتن تولیدات داخلی را در پی خواهد داشت. بسیاری روشن شدن این مسئله مثالی میزنیم. اگر فرض کنیم نرخ رسمی ثابت هر دلار ۲۰ ریال و نرخ آزاد آن ۲۵۰ ریال باشد، در واقع نرخ آزاد هر دلار نامانگروض اقتصادی جامعه است یعنی در داخل کشور تولید هر جنسی به این قیمت تمام میشود. بنابراین به نفع تولید کنندگان و مصرف کنندگان میباشد که از جناس خارجی که دلار ۲۰ ریال میباشد استفاده نمایند و از طرفی وارد کنندگان از هر دلار ۲۰۰ ریال سود میبرند. با توجه به مسائل فوق چون تولیدات داخلی نمیتواند با مشابه خارجی خود رقابت نماید، از میزان سرمایه گذاری در صنعت تولید داخلی - به علت اینکه مقرون به صرفه نبود و ضرر میدهد - روز بروز کاسته میشود و بدین ترتیب صنعت داخلی از بین میرود. این مسئله در مورد صادرات نیز صادق است. چون قیمت اجناس داخلی کالا های صادراتی بر مبنای قیمت آزاد کالا که همان دلار ۲۰ ریال میباشد، تعیین میشود، صادر کنند مجبور است ارز بدست آمدن از فروش کالا های صادراتی خود را به قیمت نرخ رسمی یعنی دلار ۲۰ ریال به دولت بفروشد، این امر موجب ضرر میگردد. در این باره صد و فروش مشال روشنی است. صادر کنند، فروش خود را در بازار کشور خریدار به قیمت تعیین شده از طرف آن کشور میفروشد و چون مجبور است ارز حاصل از فروش فروش خود را با قیمت ۲۰ ریال به دولت بفروشد، در آن صورت سوا به بدست آمدن از خرید فروش در بازار داخلی کمتر خواهد بود. از طرفی به علت رقابت بازارهای خارجی، صادر کنندگان امکان ندارند فروش را از قیمت تعیین شده آن در بازار خارجی گراشتر بفروشد. بنابراین صد و فروش نیز مقرون به صرفه نیست و باین علت دستبسته

قاچاق فروش زد و میباید و غیر قانونی آن از مرز و فروش آن در بازار بین المللی، ارز آزاد بدست میآورد. و از طریق فروش ارز بدست آمده در بازار داخلی به قیمت غیر رسمی از سود کافی بهره مند میگردد. بهینیم وضع کشاورزی به چه صورت است. سیاست کلی دولت این است که بعنوان کمک به کشاورزان و مصرف کنندگان بعضی از تولیدات مانند گندم، برنج، دانه های روغنی، توتون و غیره را با قیمت های رسمی اعلام شد. این قیمت ها با توجه به قیمت بین المللی این کالا ها با نرخ دلار ۲۰ ریال تعیین میشود. از کشاورزان خریدار مینماید. برای مثال اگر بر مبنای فوق قیمت برنج کیلوش ۲۰ ریال و گندم ۲۰ ریال باشد دولت برنج را کیلوش ۲۰ ریال و گندم را ۴۰ ریال از کشاورز میخرد. در نگاه اول بنظر میرسد که این مسئله کمک بزرگی به کشاورزان است اما با نگاهی عمیقتر باید نظر گرفتن میزان نرخ ارز واقعی که فرض نمودیم هر دلار ۲۰ ریال میباشد، متوجه میشویم که قیمت واقعی برنج کیلوش ۴۰۰ ریال و گندم ۸۰۰ ریال است. با در نظر گرفتن هزینه زندگی یک دهقان که بر حسب قیمت های واقعی یعنی برنج کیلوش ۴۰۰ ریال، گوشت کیلوش ۹۰۰ ریال، ماست کیلوش ۱۰۰ ریال و نان کیلوش ۸۰۰ ریال تعیین میشود، متوجه میشویم تولید چنین محصولاتی برای کشاورز صرف ندارد. زیرا از درآمد حاصل از فروش این محصولات نمیتواند احتیاجات روزمره زندگی اش را تامین نماید و در نتیجه روز بروز وضع زندگی او وخیمتر میگردد.

به علت اینکه دولت کشاورزان را مجبور به فروش محصولات خود به نرخ رسمی تعیین شد هم میکند و بنابراین گندم و ماست در آمد حاصل از فروش این محصولات، مخارج جاری کشاورزان جبران نمیکند، بخش

بقیه از صفحه ۱

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

نشریه "نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران - با موقع شناسی و ظرافت خاصی - به مطرح کردن شعار "پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران" (۱) میپردازد، که رژیم مواجها بحرانهای شدید و افشاده آری است؛ و مردم مستعد بده ایران بتنگ آمدند و ممکن است هواکتر ناتیوی رلهیز برتد. این در حالی است که اپوزیسیون نا همگون و از هم گسسته و از رون بهیارید لایسل مشخص بد هها تکته تقسیم شد و در رون هرکدام از نیروهای عمد اپوزیسیون تضاد های روبر شد و خطرناکی در حال شکل گیری است. بطوریکه بعطیت فقد ان رهبری آگاه، صحیح و دلسوزی که فساد ناپذیر و حقیقت طلب بود و در رعین حال با برخورد آری از تجربیات سیاسی و تاریخی و روش علمی بتواند از نفوذ و رشد نیروهای ضد دموکراتیک جلوگیری جلوگیری کند، هیچگونه تشکیلات و سازماندهی منسجمی وجود ندارد تا بتواند آزاد بخوانان ایران را متحد کند و از حمایت مردم بهره مند شود! حال حزب توده ایران با برخورد اربودن از گذشته شمعمانه و "انقلابی" در استقرار رژیم مذ هین فاشیستی آقای خمینی، صفحه اول نشریه "نامه مردم" را مزین به شعار مبارزه در راه سرنگونی رژیم نمود هاست؛ آیا خواننده منصف هین غرض بتواند بدین پرسش پاسخ گوید که: برآستی هدف واقعی حزب توده ایران سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی و آزادی در ایران است؟ تا چه اندازه می توان حزب توده را در این راه جدی تلقی نمود؟ آیا این حزب توده نبود که پیش از هرسازمان و گروهی بسا برخورد آری از سوابق معتد سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در حمایت صمیمانه از رژیم جمهوری اسلامی و شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی "توانست در رسهای گرانبهای بهره بران رژیم آموزش دهد؟ آیا یک مشت آخوند نادان و عقب ماند بهره بری آقای خمینی بتوانستند بدین یاری تئورسینهای زید ه، کارگشته و مخفی حزب توده ه ما ما موررا بنحوه بسا بقه ای در دست گیرند و در یک منطقه حساس و استراتژیک "عجاز" آفرینند؟ پس چرا حزب توده که خود در تقویت رژیم اسلامی و تعلیم و تربیت آقای خمینی و سایر آخوندهای "رادیکال" نقش بسیار مهم و اساسی اجرا نمود ه، اکنون در رصد سرنگونی همان رژیم است که اینهمه تلاش، انرژی و قربانی در راه استقرار آن نثار کرده است؟ حزب توده ایران از کد امتضین علمی و تشکیلاتی کافی برخوردار است که در صورت سرنگون شدن رژیم کنونی قدرت سیاسی را نیروها و عوامل "انقلابی" در دست

گیرند؟ و آیا همانگونه که حزب توده ایران در استقرار رژیم جمهوری اسلامی نقش عمد های را ایفا نمود، اگر واقعاً بخواهد میتواند سقوطش را فراهم آورد؟ در این میان برخی از ایرانیان ممکن است بیان کنند: "شماره چهارم نقش حزب توده ایران آنهمه دشوار است کنونی عراق منما هم اکنون رهبران حزب توده ایران همگی یاد رزند انبهای رژیم پسر میزند و با متواری شد ه و به خارج از کشور گریخته اند و باعد های نیز عمیر سیاسی" شد ه در ایران به گذران زندگی مشغولند. بنا بر این حزب توده از نظر سیاسی و تشکیلاتی مرد هاست "و نمیتواند نقشی اساسی در سرنگونیت سیاسی کشور آنهمه در داخل ایران بر عهده داشته باشد. باید با کمال صراحت بیان کرد که واقعیت های ایران در دست خلاف این امر اثبات میکند: کافی است بر اختلافات بسیار شد بسند جناح های متخاصمی که در مبارزه مرگ و زندگی درگیر هستند نظری به فکیم: آیا ترور سر لشکر قرض، ترور مطهری، مفتح و... اشغال سفارت آمریکا، سرنگونی دولت آقای بازرگان، ترور یا هنرور جانی، بمب گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن بهشتی و قری صد تن از رهبران رژیم، دستگیری و اعدام ه ما شاکجه "آقای صادق قطب زاده نمونه های چندی از این مبارزه سرسختانه را عیان نمیسازد؟ آیا جناح "مترقی" و "ضد امپریالیستی" نتوانسته است با تدبیر و ظرافت رقبای خود را از سر بر قدرت بریزد؟ بالا تراز اینها هم. اکنون خطوط اصلی رژیم، در زمینه سیاستهای داخلی و خارجی، جنگ ایران و عراق، ضد و انقلاب اسلامی، "آزادی قدس" و همراهی در سرکوب فلسطینی ها و مبارزات قهرمانان ه ما آزاد بیخش فلسطین بهره بری یا سرعرفات و حمایت همه جانبه و متقابل از د و رژیم یبیبی و سوریه را چه کسانی تعیین میکنند؟ و این خطوط سیاسی ایدئولوژیک با نظرات حزب توده ایران چه اندازه متناقض و دارد؟ آری این خطوط سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی در ایران از آسمان نازل نشد هاست، کاریک مشت آخوند روضه خوان و نادان ه نیست؛ این خطوط دارای نمایندگانی بسیار ر تجربه و زیرک میباشند که متاسفانه در مسیر حرکت تاریخ بلکه در جهت متوقف کردن آن تلاش میکنند و آنان همان کسانی هستند که رادامه خطوط غلط و انحرافی و "خطاهای" حزب توده در سیاستهای داخلی و خارجی ایران - در نقد ان یک نیروی آزاد بخوانان ه، مترقی و ملی - نقش بس موثر اما مخرب را در سرنگونیت میهن ما ایفا میکنند. بنا بر این مطرح کردن شعار "مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" از جانب حزب توده در دلیل هرنامه ریزی و ارزیابی همه جانبه وضع داخلی و خارجی ایران نمیتواند صورت گرفته باشد! حزب توده با بررسی دقیق از شرایط مشخص ایران و شناخت از موقعیت جناح های غالب و مغلوب و وجود آن نیروهای که در رون رژیم اسلامی و در حاکمیت در



بقیه : حزب تود و شعاع سرنگونی رژیم

طی شش سال گذشته وفاداری خود را به خط مشی "صد امپریالیستی" در زمینه های گوناگون بسیار ثابت نمود. موازقت روزافزونی برخوردار میباشند. تا در موقع مناسب بتوانند بایک اشاره، رژیم جمهوری اسلامی را با حذف اسلام، از صورت یک رژیم مذهبی فاشیستی خارج کرد و آنرا بصورت یک دولت غیرمذهبی و "مکراتیک" در آورند. به شعاع سرنگونی رژیم روی آورگردید. راست، پیچید نیست که حزب توده در میانها خیریتا توجه متضاد های داخلی در رن رژیم اسلامی مینموسد؛ در رن هیات حاکمه جناحهای گوناگونی وجود دارند که در زمینه های مختلف سیاست داخلی و خارجی با هم اختلاف دارند. توجه به این تضادها و استفاده از آنها امری است ضروری. بی تردید آن عناصری از وابستگان رژیم که صاحبانها ارتجاع مخالفند و از هیات حاکمه و دیگران ان میشوند جای خود را در رژیم مبارزان واقعی بساز خواهند یافت" (۲) بدین ترتیب حزب تود و ایران امید تمام آن کسانی را که دل در گردن گرونیهای از جانب نیروهای طرفدار غرب بسته اند را، از هم اکنون نقش بر آب کرد. راست و همانگونه که با طرح شعارهای "موقع" در طی ۱۶ سال گذشته توانست در کلیه ارگانهای رژیم نفوذ کرد. با اشغال سفارت آمریکا را رهبری و هدایت نمود و سقوط دولت متزلزل بازرگان را فراهم آورد، اکنون نیز مانند شعبده باز ماهری در حال اجرای چشمبندی جدیدی تحت عنوان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. حزب تود و ایران از هم اکنون برای روزه های پس از خمینی در حال برنامه ریزی است. زندگی بودن رهبران سابق و شناخته شد. حزب تود متغییری در برنامه های دراز مدت نمیدهد. کارهای مجرب و پنهان و آشکاره دیگر بسیاری هستند که اجرای سیاستهای "انقلابی" را بر عهده گیرند. نیمنگاهی به سیر حوادث و رویداد های گذشته ما را بهترین سبیل کنونی آشنا میکند: دستگیری رهبران حزب تود و دستیاران برخی از آنان، همچنین لورفتن افرادی مانند فرمانده نیروی دریائی ناخدا افضلی رویداد هائی بودند که در پی فرار آقای آند ریویچ کوزیچکین از سفارت اتحاد شوروی در تهران صورت پذیرفت و جناح غالب "رادیکال" مجبور گردید تا در مقابل جناح متزلزل حجتیه- بازرگان عقب نشینی تاکتیکی و حساب شده ای بعمل آورد. آنان حتی ۸ تن از کارکنان سفارت شوروی را نیز خارج نمودند و اجازه دادند آقایان جناح حجتیه- بازرگان هر چه دلشان میخواهد بگویند و طی چندین گذشت، وقتی آنها از آسیاب افتاد تعرض و باره خود را شروع کردند. لورفتن، دستگیری و اعترافات برخی از رهبران حزب تود در رجاء معایران چون آشکار شدن نوک کوهی در دریاهای شمال است. جناح غالب "رادیکال" موسس و همپروان خط امام اکو ۸۰ یازارگانهای رژیم را در دست دارد و آقای خمینی را مانند

مترسکی بهتر ترتیبی که میخواهند بحرکت در میان آورد در عین حال رابطه این جناح با حزب تود و طبعی غم دستگیریه و اعداها بسیار نزدیک و تنگاتنگ است. بهمین دلیل آنان تلاش بسیار مینماید و اشتند تسامح اعدا امپریالیست را دستگیر شد. حزب تود میشوند. آنان در مقابل کلیه فشارهای انتقام جویانه جناح حجتیه- بازرگان که بعلت شکجه و اعدا آقای صادق قطب زاد و سایرید رگیریه های دیگر تشدید شده بود، - جناح حجتیه بازرگان بر راستی بر این باور بود که کلیه سران حزب تود بعد از محاکمه تیرباران خواهند شد - مقاومت کردند و کوششهای آنان را در این مورد خنثی نمودند.

نقش حزب تود و جناح غالب در مورد تظاهرات اخیر قابل توجه میباشد. آنان با رشد مخالفتها و تظاهرات علنی مردم علیه جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاستهای پیچیده از یکطرف با فرستادن برخی از عوامل و جاسوسان خود بدرون تظاهرات و تظاهرات مخالفت با رژیم اسلامی و مخالفت با جنگ به شناسائی عاملین اصلی تظاهرات میپرد ازند و از طرف دیگر با حرکت در آمدن در پیشاپیش مردم خشمگین و تنگ آمد مسرنخ جریانات را در دست گرفته از وقوع هرگونه حرکت و طغیان کنترل نشد. جلوه گیری بعمل میآورند. بنا بر این جناح غالب پیرو خط امام و حزب تود و ایران سایر نیروهای که در رن رژیم جمهوری اسلامی دارای مواضع مشابه و نزدیک میباشند، بسا پیش بینی ها و اقدامات لازم خود را برای حوادث بعدی (مانند مرگ خمینی، مبارزات و اعتصابات خود بخودی سراسری، رشده تصاعدی مخالفتهای مردم علیه رژیم و علیه جنگ...) آماده میکنند. برنا مریزیه های دقیق و حساب شده مینمگرد و در مرحله هر مرحله به موقع اجرا گذارد. همیشه و مردم ایران و جهان با حیرت ناظر رویداد هائی میگردد (این رویداد های عجیب در ۶ سال گذشته بارها و بارها بوقوع پیوسته) که نمیدانند چرا و چه دلیل و چه چه صورتی رخ داد و چه کسی در پس پرده رهبری آنرا در دست داشته و منتظم آن پرده اخته و آنرا مرحله جراد آورد. راست؟ این امر در حالی است که این نیروی غالب و پیچیده با موانع کوچک و قابل کنترلی روبروست و هیچگونه تشکل سازمانی وجود ندارد تا بتواند در مقابلش ایستادگی کند. جناح حجتیه- بازرگان نیز بعلت دستگی به منافع آزمندانه خود به ملت ایران خیانت کرد و با محافظه کاری پیش از حد و برخورد انبوه از تشکل سازماندهی مانند موم در دست آنان به بازی گرفته میشوند. بدین ترتیب باید انتظار داشت که در صورت تحقق بهد اگر در شمار "پهروزها" مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم اسلامی تحت رهبری حزب تود و سایر نیروهای که دارای مواضع و اهداف مشابه و نزدیک هستند، رژیم بروی کار خواهد آمد. کالبته اسلامی نخواهد بود یا در ظاهر هم شاید نامی مانند "جمهوری

بقیه از صفحه ۵

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

د مکرراتیک، یا چیزی شبیه آن را برای انتخاب کنند. ولی از هم اکنون با کمال اطمینان باید گفت که اگر د سرکوب کرد آنها و کشتارها د رایجاد خفقانی هولناک و د رسلب آزاد پهای د مکرراتیک بد تراز رژیم جمهوری اسلامی نباشد، بهتر نیز نخواهد بود. تا اینجا ما نقش حزب توده را بران و د لایل مطرح کردن شعار سرنگونی رژیم از جانب این حزب را د اخل ایران مورد بررسی قرار دادیم. حال ببینیم حزب توده در خارج از کشور و د رین اپوزیسیون بی د رویکرد چه اهداف و برنامه‌هایی را د رسر دارد ؟

حزب توده ایران با سابقه طولانی تشکیلاتی سازماندهی کرده در خارج از کشور دارد، اکنون مدتهاست با مهارت خاصی د رگروه‌های مختلف اپوزیسیون رخنه کرده و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، کوشش نمود است، تا بتواند از د رون آنان را تحت نفوذ اید و لولوزیک تشکیلاتی خود قرار دهد. باید با کمال صراحت از آن نمود که حزب توده با تبحر و استفاده از نقاط ضعف گروه‌های مختلف اپوزیسیون توانسته است قدم به قدم و آرام آرام آن‌ها را تحت نفوذ د رآورد، بلکه د رین برخی از آنان و د رسطح رهبری خط مشی خود را بطور همه جانبه تحمیل کند. برآستی آنان همانگونه که د رژیم جمهوری اسلامی با ظرافت تمام از همان ابتدا نتوانستند با استفاده از شیوه‌های ارباب تهنید، تطمیع، ترور، بمب گذاری و... بد رون ارگان‌های مختلف نفوذ کنند و از این طریق د ریک پیروسی پیچیده به پیروان خط امام و آخوند های "راد یکال" را بر مسند قدرت بنشانند اکنون هم نتوانستند با استفاده از همان روشها مانند چتری اپوزیسیون خارج از کشور از زیر سایه خود قرار دهند. ممکن است برخی بعمل گوناگون مانند ۶ سال پیش واقع بینی نیروهای آزاد یخواه و د مکرراتیک را د مورد نقش حزب توده ندید و با آنها نخواهند ببینند. اما از حقیقت نمیتوان فرار کرد و آنرا با تمام تلخی اش باید پذیرفت. زیرا بهر حال با گذشت زمان حقایق آشکار خواهد شد. تنهاد آن هنگام میم آن میروند که آب از سرگدشته باشد و اما ن و فغان ما مانند نوشد آرو بعد از مرگ سهراب جلوه دهد و د مقابل خود چه د ر اخل کشور و چه د ر خارج جوی را حکم فرما ببینیم که د ر آن نغمه آزاد یخواهی و د مکراسی با سبعمیت و بیرحمی تمام د ر نطفه خفه گرد. اینست که د شرایط کنونی هدف اصلی حزب توده د ر د رون اپوزیسیون جلوگیری از تشکل نیروهای آزاد یخواه و د مکرراتیک است. حزب توده با د ر نظر گرفتن نقاط ضعف نیروهای آزاد یخواه و د مترقی با استفاده از شیوه‌های مختلف کوشش میکند د ر ابتدا ای امر آنان را مجبور به اتخاذ مواضع ضد و نقیض و سپس خطوط انحرافی و غلط نماید. بدین ترتیب این نیروها اعتباری را که د ر اثر موضع گیریها حق طلبانه و آزاد یخواها نبر علیه رژیم جمهوری اسلامی د رین مردم

کسب نمود هاند، از دست بد هند می هویت گرد ند. اینکه چرا برخی از سازمانها، گروهها و شخصیتها و افراد ناگهان مواضعی را اتخاذ میکنند که با خطوط قبلی آنان ۱۸۰ درجه اختلاف دارد و برخی اوقات بمثابه یک خود کشی سیاسی یا یک حفاقت بزرگ محسوب میگردد، نمیتواند جد از اعمال فشارها و تهدیدها و تطمیع های پشت پرده باشد. آیا خوانند عزیز و هوشیار ما میتوانند به د کر چند نمونه از مثالها فراوانی که د رین رهبران شخصیتها و روشنفکران صاحب نام و سرشناس سیاسی اپوزیسیون وجود دارد، بهره‌برداری و سوابق آنها و موضع گیریها مختلف، متضاد و غیر منطقی شان را بر شمارد؟ و آیا یک سازمان، گروه و یا فردی د رین کل اپوزیسیون وجود دارد تا شجاعت و شهامت بخرد و د دودست این قبیل آقایان برمد عار و رو کند و آنها بگوید: "آقایان بس کنید، دست از سر این مرد مبد بختی که بعلت نادانی و تعصب و هزارویک د ر د دیگر واقعیتها را نمیتوانند ببینند بردارید بخاطر خودتان هم که شد مگذارید نفسی بکشند! و حال که خود را د ر با طلاق عمیقی قرار داده‌اید، ادعای رهبری و روشنفکرانه‌ای را بکناری بگذارید. اینست گوشه کوچکی از واقعیتهای تلخ پشت پرده و پنهانی د رون اپوزیسیون! حال د ر چنین شرایطی آقایان رهبران جدید حزب توده با مطرح کردن "شعار پیروزیاد مبارزه خلق د ر راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" میخواهند "کلیه نیروهای ملی و مترقی" را برای رسیدن به اهداف ملی و مکرراتیک "د ریک جبهه واحد" (۳) متشکل کنند! برآستی آیا امکان دارد حزب توده ایران بطور غیر علنی بتواند روزی رهبری اپوزیسیون را تحت لوای شعار فوق در دست گیرد؟ جواب مابعدین سؤال اینست که این امر تنها ممکن بلکه د ر صورت ادامه وضع کنونی و فقدان اقدامات ضروری آزادیخواهان راستین ایران کاملاً علی است. البته آنان نه بظهور رسمی و علنی تحت نام حزب توده ایران بلکه تحت عناوین "ملی"، "مترقی"، "۳ انقلابی" و "مارکسیست لنینیست" اینکار را انجام خواهند داد و از هم اکنون د ر حال مهیا کردن زمینه‌های چنین اقداماتی میباشند. حزب توده ایران د ر د وجبهه د ر حال مهیا کردن تدارکات بسیار جدی برای اجرای این طرح د رآیند هاست. د وجبهه‌های یکی د ر اخل ایران و د رون رژیم جمهوری اسلامی و دیگری د ر میان اپوزیسیون خارج از کشور تمام هم و فم حزب توده د ر ابعاد جلب کرد هاست، تا با کوششهای همه جانبه و بهره‌گرفتن از کلیه امکانات اخلی و خارجی بتواند د ر جهت ایجاد یک رژیم ضد د مکرراتیک، ضد مردمی دیگری با حذف کلمات "قرون وسطایی" و "اسلامی" و جایگزین نمودن آنها با د یکتاتوری نوین قرن بیستم آرزوی د ر برینه خود جا م عمل بیوشاند. بسیار خوب از نقش حزب توده ایران د ر موارد فوق با اختصار سخن گفتیم، اما با این پرسش پاسخ داد نشد: آیا د ر شرایطی که دشمن

بقیه از صفحه ۲۰

روضه خوانی ابریشمی

هراس رهبری سازمان مجاهدین

در سخنرانی آقای ابریشمی وحشت وهراس رهبری سازمان از جدائی وکناره گیری اعضا و هوادارانش از سازمان به نحو بارزی عیان بود. ابریشمی در بخش سخنانی خود بیان نمود: من از تک تک بچه ها که از سازمان فاصله گرفته اند، در راستای مجاهدین میخواهم که ما بماند آرید. بیایید، نیروید، شما حق دارید شک کنید. توضیح میخواهید؟ بند حاضر هر لحظه که بخواهید توضیح بدهم، سر من در گسرو همین کار است... به زود ره رانترژی شما احتیاج است... (تاکید از ماست)

آقای ابریشمی بالحنی "موکرات مابانه" رویه سوی اعضا و هواداران نمود و متذکر شد که آنان حق شک کردن را در ارامیابندند! بسایند گفت چه گذشت بزرگی رهبری در حقیق هواداران نموده است! لازم به تذکر است که در روید نوی سخنان قبلی، آقای رجوی و ابریشمی نمتنها چنین "حق بزرگی" را برای اعضا و هواداران خود قائل نبودند، بلکه بالحن بسیار توهین آمیزی عسوان نمودند:

"... اما اگر کسی در میان شما هست که نفهمید و نتواند نش به سعید نیش زده، حال بسوز و بفهمه که اون موقع نمی فهمید و پره استغفار که..."

(بخشی از سخنان ابریشمی نقل از نشریه مجاهد شماره ۲۴۱)

و یا:

"... صبر کنید نمیدانم یکسال یا پنج سال یا ده سال دیگر خواهید فهمید..."

(بخشی از سخنان آقای رجوی در همانجا) در مورد اینکه چرا سازمان مجاهدین

موضع قبلی خود را تخفیف داد و در واقع مجبور به عقب نشینی تاکتیکی شد، این امر ناشی از عکس العمل اعضا و هواداران و موج اعتراضات وسیع آنان نسبت به اعضا اخیر رهبری - که نمونه های از این مخالفتها در مقاله ای بنام گزارش بحث در سیتهدر نشریه آزادی ایران شماره ۶ منعکس گردیده است - میباشد.

شیوه تبلیغ یا شیوه مغزشوئی؟

در جلسه فوق نکتتهای که پیش از هر چیز قابل توجه بود، بکارگیری روش مغزشوئی رهبری سازمان مجاهدین در مورد اعضای خود میباشد. که در آن ابریشمی مرتباً با استناد به تمداد شبهه، زندانیان، روز بزرگ، ۳۰ خرداد و اشاره به اینکه زندانیان مجاهد حتی در داخل زندان این "انقلاب ایدئولوژیک" را درک نمود و برای آقای رجوی بدین مناسبت هدایایی نیز ارسال کرده اند. تاکید نمود: که هیچ سئولی در داخل کشور از آنان جدا نگردید... و بالحنی ملتسمانها از جوانان خواست که از سازمان فاصله نگیرند، زیرا در غیر این صورت شانس بزرگی را از دست خواهند داد. و این نکته را تاکید نمود که صورت مسئله انقلاب ایران سازمان مجاهدین میباشد و اگر کسی در مقابل این سازمان ایستادگی نماید، در صف خمینی قرار دارد یعنی بنا بر تعبیر ایشان یا باید در ۱۸- صف رژیم خمینی قرار داشت و یا در ۱۸+ و در جبهه مجاهدین و شورائی ملی مقاومت و مرتباً با تاکید بر نقش رهبری و اینکه باید راه شهداراً تحت رهبری سعید" ادامه داد به مغزشوئی اعضا و هواداران پرداخت و از این طریق تمام کوشش خود را در جهت القای نظرات سازمان به اعضا و هواداران و همچنین شخص

پرستی بکاربرد و با اشاره به گذشت سازمان، کیش شخصیت را تا به آنجائی رساند که از گذشته شدن سعید محسن وزند همانند سعید رجوی اظهار رشاد مانی نمود و دلیل آنرا اینگونه بیان نمود که سعید محسن نمیتوانست نقش رهبری را بخواهی آقای رجوی ایفا نماید.

در ضمن حین سخنرانی وی مرتباً تصاویر افرادی که تحت تاثیر سخنان او به گریه و زاری مشغول بودند در روید عنوان داد و میشد.

ابریشمی همچنین با اشاره به فرارسیدن روز ۳۰ خرداد از هواداران خواست که حتماً این روز را با یاد "شهید" با شکوه هر چه متماثر برپا نمایند. بی جهت نبود که این سخنرانی به فاصله نزدیک به روز ۳۰ خرداد صورت گرفته و در عرض یک هفته ۲ بار در ریارس به نمایش گذاشته شد. حتماً خوانندگان عزیز میتوانند به این مسئله جواب گوید که بر اساسی برآورد اختن مجلس عزاداری و ایجاد جو شهید پروری و سوگواری استفاده از احساسات و عواطف مذهبی چه چیزی را در ذهن انسان تداعی میکند؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی از همین شیوهها بهره نمیگیرد؟ و با سوگواری استفاده از عدم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی، معتقدات و احساسات مذهبی مردم در این زمینه کم عمل نمودند؟ آیا سازمان مجاهدین نمی بایست با تجربه از چنین روشهای مغزشوئی از جانب رژیم به طرد این شیوهها بپردازد؟

مایه تاسف بسیار است رهبری سازمان مجاهدین که در جبهه مقابل رژیم خمینی قرار دارد برای حفظ منافع گروهی خود و برای رسیدن به قدرت از چنین طرق و وسایلی استفاده میکند. آیا اتخاذ چنین شیوههایی از سوی رژیم خمینی پس از آگاهیهای نسبی

بقیه از صفحه ۱

رابطه حزب توده و راه کارگر

عناصر توده‌های - اکثریتی برای حضور سیاسی یافتن در رکنار سایر نیروهای موجود در رسیده اشارت شد و از تمام نیروهای آگاه و مبارز خواسته شد هاست که با هوشیاری در خنثی کردن این جریان‌ات ضد انقلابی همکساری کرد و موضعگیری نمایند.

پس از پخش این اطلاعیه بحثی در رسیده صورت گرفت که نظر خوانندگان گرامی را به اهمیت آن جلب می‌نمائیم: در رابطه‌ای بحث یکی از هواداران سابق بیکار علت عدم ماضی اطلاعیه فوق را از هواداران راه کارگر سوال نمود که یکی از آنان چنین پاسخ داد: «اولاً این اعلامیه باید بدی که شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانند نوشته شد هاست و در جلسهای که در این مورد تشکیل شد بود برخی از گروهها میخواستند این نظر را بر ما تحمیل کنند. ثانیاً بخشهای تشریحی در صلاحیت کمیته‌های زکشافی نیستند. ما نیز نظرمان این بود که حزب توده، اکثریت، فرخ نگینار و کشتگری‌ها نباید به سینه‌ها بیاورند و حتی نوشته‌های تهیه کرد و خوانندیم. از آنجائیکه در اعلامیه‌ها در شد منظور گروه مخصوصی غالب بود ما آن را ماضی نکردیم. بدنیال این سخنان یکی از هواداران سابق بیکار گفت: «با وجود اینکه ما شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانیم ولی این اطلاعیه ربطی به شوروی ندارد. ما اکنون با بر خور در شخصی در یک لحظه معین رهبر هستیم و آن توطئه خزند حزب توده... برای تحمیل کردن خود در رسیده است و به همین منظور اطلاعیه‌های صادر نمود و همه انسان هشد اردادیم. در این اعلامیه سخنی از شوروی به میان آمد و نه از اردوگاسوسیا لیستی و این تنها ما و اتحادیه کمونیستها نبودیم که اطلاعیه را ماضی نمود بیکار که سایر گروههای شرکت کنند در جلسه فوق نیز که شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانند»

این اطلاعیه را ماضی کردند. شما اشیا ره کردید که در آن جلسه نوشته‌های تهیه کردید بودید، چرا آنرا بصورت اعلامیه جداگانه منتشر نکرد و موضع مشخص خود را در رایسن بار ماضی نمودید؟» پس از ایشان یکی از هواداران اقلیت چنین گفت: «علت اصلی عدم ماضی این اعلامیه از جانب راه کارگر این بود که حزب توده و اکثریت... راضی انقلابی نمیدانند و با گذاشتن جمله (جریان‌ات توده‌های - اکثریتی ضد انقلابی هستند) در اطلاعیه مخالفت میکرد. راه کارگر در جلسه مزبور حتی جناح کشتگری از اکثریتی‌ها فرخ نگینار جدا کرد و گفتند که هیچ مد رکی وجود ندارد که ثابت نمایند آنان در سر کوهها ولود ادین نیروهای مخالف رژیم شرکت داشته‌اند. وقتی ما در آن جلسه نظر راه کارگر را در رابطه با حمله هواداران حزب توده به چند نفر از هواداران مادرد انمارک پرسیدیم، آنان گفتند که این موضوع مربوط به راه کارگر نیست. هوا دار اقلیت در راه کارگر میخواستند که چگونه وقتی که کشتگری‌ها میخواهند به سینه‌ها بیاورند به آنها مربوط است و سینه خود را بسرای آنان سپرد میکنند. امروز راه کارگر برای حزب توده فحش کرد هاست و حزب توده... بسا داشتن چنین پشتیبانی است که به خود جرات حضور در سینه‌های میدهند و در رابطه با کشتگری‌ها باید گفت اینان همان کسانی هستند که شعار «سپاسد اران را به سلاح سنگین مجهز کنید» را میدادند. جریان‌ات و افراد شرکت کنند در آن را ضد انقلابی و آمریکایی خوانند و خواستار اعدامشان شدند. در رهوشهر وقتی فهمیدند یکی از هواداران ما و ۲ هوادار مجاهدین در خانه‌هایشان اسلحه‌ها را از آن‌ها رالو داد و همه سپاسد اران معرفی کرده و باعث دستگیری‌شان شدند که در نتیجه هر سفارتهای امدادگر دیدند و نمونه‌های بسیار از این قبیل را میتوان بیان نمود. آیا ایسن

نیروها را (حزب توده، اکثریت و...) به صرف اینکه از خود انتقاد کنند و با خواهان سرنگونی رژیم‌ها شدند را میتوان در صرف انقلاب به حساب آورد؟ به نظر ما نه آنان در مرحله کنونی نیز ضد انقلابی هستند. پس از سخنان ایشان یکی از هواداران اتحادیه کمونیستها چنین گفتند: کلاً تشکیل این جلسه و در چنین اطلاعیه‌های از طرف ما پیشنهاد شد. در چندین هفته اخیر ما شاهد حضور فردی افراد توده‌های... در رسیده بودیم، تعداد آنان ابتدا ۸ نفر سپس به ۸ نفر در آخرین هفته تعدد شد به ۸ نفر رسید. به همین منظور ما موضعگیری در باره آنان را در این مرحله ضروری حس کرد و اطلاعیه‌ای تهیه کردیم که پس از تغییراتی در جلسه بصورت فعلی در آمد. موضوعی که در این اطلاعیه‌ها از هر همه چیز اهمیت دارد ضد انقلابی خواندن این نیروها است و ما تا کید میکردیم که جمله «ضد انقلابی» حتماً باید در اعلامیه گنجانده شود. همانطور که میدانیم خیانتهای حزب توده... در رگدشته هر مکان آشکار است ولی در موقعیت کنونی که آنان به اصطلاح شعرا سرنگونی رژیم‌ها را می‌خواهند با قرار دادن خود در اپوزیسیون فضای انقلابی را سموم کنند، ضروری است که دست این خائنین را با زخمود و توضیح و افشای سیاستهای آنان ببرد ازیم. به همین دلیل ما تا کید داشتیم که کلمه ضد انقلابی حتماً در اطلاعیه‌ها آورده شود. پس از این سخنان یکی از هواداران راه کارگر چنین گفت: «اینجا بعضی از صحبتها بوسیله اقلیتها تحریف شد، مثلاً آنان گفتند که ما برای حزب توده فحش کردیم و ما اینک سینه خود را برای کشتگری‌ها سپرد نمودهایم، ما کجا در اعلامیه‌ها ایمان چنین سیاستی را در پیش گرفته‌ایم. ما همیشه گفته‌ایم که حزب توده همه مردم خیانت کرده بقیه از صفحه ۱۳



به یاد عشقی شاعر ملی و آزادیخواه ایران

استاد عشق

عاشقی را شرط تنهائالیه و فریاد نیست تا کسی از جان شیرین نگذرد فرهاد نیست
 تانشد رسوای عالم کس نشد استاد عشق نپرسو و عاشق ، اندرفن خود استاد نیست
 ای دل از حال من ولبل چه میبرسی پرو ماد و تن شورید مرا کاری بجز فریاد نیست
 قلب (عشقی) بین که چون سرتاسر ایران زمین
 از جفای گر خان یک گوشه اش آباد نیست

راه نجات

دانه خاک چه پوست ، سری پیدا کرد
 هر که شد خاک نشین ، برگ وری پیدا کرد
 تا بر پشان نشوی ، راه بمقصد نیسری
 بیضه چون جامه فرو ریخت ، پری پیدا کرد

پوشانی ایران

ایدوست بهین بی سرو سامانی ایران
 از قهر پرون آیهین ذلت ما را
 آخ کله د ، جای تو شد تا بقیامت!
 از وضع کنونی وزند بختی طست
 گردید جهان تیره و گشتمت دل پتنگ
 بگرفتند لپسخت زا وضع کنونی
 (عشقی) بود ، ارنوجه گرامروز عجب نیست
 بد بختی ایران و پریشانی ایران
 این ذلت ایرانی و پرانی ایران
 رفتی و ندیدی تو پریشانی ایران
 زین فقر و پریشانی و پرانی ایران
 گوش گشدم محبسی و زندانی ایران
 بیجاری و محنت و حیرانی ایران
 خون میچکد از دید ما ایرانی و ایرانی

درد وطن

زاظهار درد ، درد مداوا نمیشود
 درمان نما ، نه درد که باها زمین زد ن
 مدها تمار که سر خط آزاد کسی ما
 باید چنین نمود و جفای کرد چاره جمت
 زحمت برای خود کن که خود بخود
 کم گو که کاوه کیست تو خود فکر خود نما
 من روی پاک سجد نهاد چتر روی خاک
 جاننا فراز بد ، عشقی است بجای تو
 شیرین دهان بگفتن حلوا نمیشود
 این بستری ز بستر خود پسا نمیشود
 با خون نشد نگاه شده ، خوانا نمیشود
 لیکن چه چاره با من تنه پسا نمیشود
 اسباب راحت تو میبپسا نمیشود
 بانام مرد ، سلطنت احیا نمیشود
 زاهد پرو ، معامله ما نمیشود
 هر جا مرو ، ترا همه جا ، جانمیشود

زبان سرخ

مگو که فنج چه چرا چاکچاک و دلخون است ؟
 که این نمایش از زخم قلب جنون است
 نمونه دل آزادگان بود : گل سرخ
 چو این " گلشنه " اوراق سرخ دلخون است
 زبان عشقی شاگرد انقلاب است این
 زبان سرخ زبان نیست بهرق خون است

ایران

در ماهی که گذشت

اقرار رژیم رنابودی کشاورزی

علی رغم شعار تلاش برای "خود کفایی" در امر کشاورزی "از جانب رژیم، وضع کشاورزی به حدی اسفناک می باشد که هر چند گاهی مقامات رژیم مجبور می شوند شمه ای از آنرا اقرار نمایند. بطوریکه در یکی از جلسات مجلس در تاریخ ۱۴ خرداد ماه، غلامرضا فدائی نمایند هارک در باره شعاع سردمداران رژیم مبنی بر "محوری بودن کشاورزی"، اعتراف نمود که تا کنون برای این منظور رجعت استفادهاز منابع کشاورزی، در ای و محصولات دریائی هیچگونه برنامه ریزی ای بعمل نیامده و آموزش کشاورزی مکتبی نبود هاست و حتی سایر وزارتخانه ها در سیاستهای اجرایی خود برای این امر اولییتی قائل نیستند. نمایند هارک در ادامه سخنانش چنین گفت: "طبیعی است وقتی حدود ۵۰ درصد جمعیت مملکت در روستا باشد و ۲۷ درصد شاغلین در امر کشاورزی، ولی ۱۴ درصد درآمد ناخالص مربوط به بخش کشاورزی باشد، تازه خرج این درآمد در روستا میسر نیست و تا زمانیکه نیروی کشاورزی جذب بازار صنعت شود، و تا وقتی تحقیقات کشاورزی نمتناسر و سامان، که معنای آن در تا زمانیکه همچنان تکمیل و واردات کالا های اساسی میشود که ظرف چند سال گذشته از ۲ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن رسید هاست، این رشته سرد راز خواهد داشت و ما خود را فریب داد ایم."

به علت سیاستهای ضد مردمی و عدم کارآیی رژیم مشکلات کشاورزی روز بروز افزون تر و لا ینحل تر گرد ید و رژیم بنا بر ماهیت خود قادر نیست بر این مشکلات غلبه نماید. بانگهی برآمرسالینانه، مقدار واردات محصولات کشاورزی منتشره از جانب رژیم، به و خیم بودن سیاستهای رژیم را مرنا بودی و وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزی بی مفهوم برای نشان دادن این امر تنها به و نمونه واردات گند م و علوفه از قول اسحاق جهانگیر نمایند ه جبرفت در مجلس اسلامی اکتفا می کنیم که میگوید: "واردات گند در سال ۵۶، ۵۶ میلیون و ۹۷۷ هزار تن بود که در سال ۶۴، ۶۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیده و واردات علوفه ۹۲ هزار تن بود که به ۲۲۰ هزار تن رسید ه." (اطلاعات، خرداد ماه ۱۳۶۴)

سفر رفسنجانی به لیبی

هاشمی رفسنجانی بدعوت معمر قذافی در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۴، در راس یک هیئت بلند پای برای دیداری رسمی وارد کشور لیبی شد. در این سفر ولایتی، محسن رفیق دست و وعد های از اعضای هیئت رئیسه و نمایند گان مجلس شورای اسلامی وی را همراهی کرد ند. هدف از این سفر گفتگو در باره تحولات منطقه، اوضاع لبنان و جنگ ایران و عراق و اتخاذ مواضع مشترک در قبال این مسائل بود. در همین رابطه عبد السلام جلعود، سفر رفسنجانی به لیبی را گامی بلند ی در جهت

تحمیل روابط بین و کشور خوانند. در اولین دیدار مذاکرات رسمی بیسن رفسنجانی و قذافی که در روز ۳۱ خرداد ۶۴ انجام گرفت، سرهنگ قذافی با اشاره به جنگ ایران و عراق یارد یگر حمایت خود را از رژیم ایران اعلام نمود و گفت: "این جنگ بین نیروهای "انقلاب" و نیروهای "ارتجاع" هست ولی بر علیه صد ام و مرجعین" منطقه در کنار رژیم ایران است. همچنین رفسنجانی ملاقات و مذاکراتی نیز با سرگرد جلعود انجام داد. سرگرد جلعود با تاکید بر اینکه لیبی و ایران در تمام موضوعات توافق نظر کامل دارند گفت: "با اتحاد و اتفاق لیبی و ایران تمام نطقه ها را در لبنان خنثی خواهند ساخت و نخواهند گذاشت اشخاصی نظیر یاسر عرفات و صد ام و حسنی مبارک بتوانند آرمان فلسطین را پایمال کنند. رفسنجانی نیز ضمن قدردانی از مواضع "انقلابی" لیبی بر همبستگی و توسعه و تعمیق روابط و کشور تاکید کرد ه و از کمکهای کشور لیبی به رژیم جمهوری اسلامی تشکر نمود. در پایان دیدار چهار روز ه رفسنجانی از لیبی بیانیه مشترکی بین و کشور منتشر کرد ید. در قسمتی از بیانیه آمده هاست: "لیبی با قدرت در کنار جمهوری اسلامی در راه روبرویی با جنگ علیه عراق ایستاد هاست. همچنین و کشور با تشکیل یک کمیته مشترک سیاسی - نظامی به ریاست وزرای خارجه و کشور موافقت کردند. هاشمی رفسنجانی پس از این سفر بنا به دعوت حافظ اسد عازم دمشق شد"



بقیه: ایران، در ماهی که...

در این مذاکرات ۲ نکته پیش از هر چیز قابل توجه است. اولین نکته حمایت شدید و آشکارایی از ایران در جنگ ایران و عراق است. در این باره باید گفت رژیم جمهوری اسلامی بدنبال تشدید جنگ و گسترش آن به مبارزات شهرها، عملاً در موضع ضعفتری نسبت به عراق قرار گرفته، و با کمبود اسلحه و مهمات مواجّه گشته است. در نتیجه یکی از اهداف این سفر تهمینه تجهیزات جنگی، اسلحه، مهمات و موشکهای دوربرد میباشد و اشاره رفسنجانی به کمکهای لیبی، در حقیقت تحویل سلاح از طرف آن کشور به رژیم خمینی میتواند باشد. نکته دوم وضعیتگیریهای مشترک و حملات اخیر این دو کشور بر علیه سازمان آزادیبخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات میباشد. البته نباید از نظر دور داشت که بدنبال شکست توطئه اخیر جنبش امل، سوریه و ایران در خلع سلاح کردن نیروهای طرفدار سازمان آزاد بیخش فلسطین و قتل عام فلسطینیهای بی گناه، اینبار و کشور ایران طبعی با حمله کردن به رهبری سازمان آزاد بیخش باردیگر دشمنی خویش را با مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین عیانتر نمودند.

وضع وخیم آوارگان جنگی

یکی از عواقب جنگ ایران و عراق وضع اسفناک آوارگان جنگی است. در نوسیل قسمتهائی از سخنان در متن از نمایندگان رژیم در این مورد آورد میشود:

یونس محمدی نمایند هخرمشهر و شادگان در جلسه ۲ خرداد ۶۴ اعتراف نمود که مسئولین بنیاد جنگ زدگان و سایر ارگانهای زیربط کوچکتر... اهمیت برای حل مشکلات آوارگان جنگی قائل نیستند و از شروع جنگ ایران

و عراق تاکنون بزرگترین مشکل آنان که مسئله مسکن و اشتغال میباشد، لا ینحل با قسی ماند هاست. در این رابطه میناید امور مهاجرین علاوه بر عدد پرسیدگی به ایمن مشکلات، از سال ۶۳ تاکنون به مهانه های گوناگون مستمری اکثریت آنان را نیز قطع کرد هاست.

کیاوش نمایند تهران نیز در جلسه روز ۴ خرداد ۶۴ مجلس گفت، علی رغم اختصاص بودجه برای بنیاد مهاجرین جهت رسیدگی به مشکلات جنگ زدگان، رژیم رطی این مدت اقدامی عطفی در باره حل مشکلات مهاجرین انجام نداده است.

برطرف شدن مانع در روابط ایران و شوروی

هاشمی رفسنجانی در بخش از مصاحبه اش باشبکه تلویزیونی آن، اچ، کی ژاپن در تاریخ ۲۶ خرداد ماه در باره بهبود روابط ایران و شوروی میگوید: "بطور کلی ما پس نیستیم که روابطمان با دولت اتحاد جماهیر شوروی تیر باشد... شورویها در ایران کارهایی نظیر نیروگاه و کارخانه های مهم دارند که مشغولند همچنین ما طرق مواصل در اینها این کشور میادلات تجاری و فنی زیاد میتوانیم داشته باشیم. ما پس نیستیم که روابطمان تیر باشد. وی یکی از مشکلاتی که مانع بهبود روابط ایران با شوروی شده بود را مسئله حزب تود ه قلمداد نمود و بیان کرد که: "ما توانسته ایم این مشکل را با شوروی حل کنیم، آنها هم پذیرفتند که این امر سالها د اخلی ماست. رفسنجانی هم چنین مدعی شد: در مورد افغانستان و عراق (به علت تحویل اسلحه از جانب شوروی به عراق) مسئله دریم (با شوروی) و ولسی اینها مانع نیست که ما تلاش کنیم که کم روابطمان را بهتر کنیم، در این چند ماه اخیر پیشرفتهای خوبی هم داشته ایم. اکنون

هم در یم اد امه میدهی برای اینکه نگرنی بین د ودولت در مرزهایشان نباشد و ماهسایگی مسالمت آمیزی با شوروی داشته باشیم."

حراج نفت!

شیخ احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی در رکفرانس طائف به کشورهای تولید کنند نفت اویک هشدار داد و گفت با ادامه تولید بیش از سطح سهمیه رسی و تخفیفهای غیر قانونی در قیمتها، بهای جهانی نفت ممکن است در آینده نزدیک به کمتر از ۲۰ دلار برای هر بشکه سقوط کند. انتقاد زکی یمانی به کشورهای مانند ایران میباشد که بر طبق گزارشات خارجی، رژیم اسلامی با تخفیف ۴ دلار در هر بشکه، نفت خود را بفروش میرساند. امور بین المللی وزارت نفت رژیم جمهوری اسلامی گزارشات فوق را شا بعه و توطئه کشورهای صنعتی غرب دانست و اعلام کرد که ایران نفت صادراتی خود را در "حدود" قیمتهای بازار جهانی میفروشد و تنهادر ارتباط با بیه جنگی و هزینه اضافی حمل و نقل به مشتریان خود تخفیف میدهد. میدانهر رژیم برای ادامه جنگ و کمبود شدید ناخارارزی ناچار است به استخراج بیشتر نفت و حراج آن دست بزند. با در نظر گرفتن واقعیات موجود، مسئولین امر ناگزیز به اعتراف در دادن تخفیف به مشتریان خود تحت لوای کاهش "بیمه جنگی" و "هزینه اضافی حمل و نقل" میگردند. قابل توجه است که قیمت فعلی نفت تعیین شد از طرف اویک بشکه های ۲۷ الی ۲۹ دلار است. اما این تخفیفهای غیر قانونی باعث اختلاف نظر شدیدی میان اعضای سازمان اویک که بسزوی بیست و پنجمین سالگرد تاسیس خود را جشن میگیرند، شد هاست. □

بقیه از صفحه ۳

خشت اول چون نهید معماری کج ...

کشاوری با ۳ حالت روبرو میشود .
حالت اول اینست که دولت مجبور است برای تشویق کشاوری کشاوری که مالک زمینهای مرغوب و یا زمینهای با هزینه کشت ناچیز میباشد - بهاد امتیاز تولید محصولات نرخ بالا و یا محتاج زندگی کشاوری از خارج با قیمت دلاری ۲۰ ریال وارد نمود و آنها را با قیمت ارزان در اختیار وی قرار دهد. البته اتخاذ چنین روشی برای دولت مقدر نیست زیرا دولت متحمل هزینههای زیادی میشود و همچنین باید در نظر گرفتن کل زمینهای قابل کشت در ایران که کمتر از ۲۰ میلیون هکتار میباشد و مسلماً زمینهای مرغوب چند درصدی از آنها شامل میشوند، در چنین شرایطی زمینهای درجه دوم و سوم کمبزرگ باقی میمانند زیرا قیمت فروش محصول آنها به نرخ دولتی هزینههای جاری کشاوری را جوابگو نمیشود .

حالت دوم اینست که کشاوری به کاشتن محصولات میمانند هند وانه که قیمت آن از طریق دولت تعیین نشد هاست ، میباید از زیر نرخ چنین محصولاتی بر مبنای هزینههای کشت و میزان عرضه و تقاضا تعیین میکند. البته این امر برای کشاوری خالی از اشکال نیست زیرا با مخالفت و عکس العمل شدیدی دولت روبرو میشوند .

و بالاخره با توجه به این واقعیات تلخ ، متوجه میشویم که راه دیگری برای کشاوری باقی نماند جز اینکه برای کسب زندگی بهتر ، زمین خود را رها نمود و در وانه شهرها شود . در شهرها میتواند بعنوان کارگر ساده ای روزانه مبلغ ۲۰۰ ریال بدست آورد و هنگامیکه در نظر بگیریم تمام احتیاجات وی بوسیله فتر جمیع کون آن و قهبا قیمت دلاری ۲۰ ریال فراهم میشود ، سطح زندگی وی رونق پیدا میکند . با حساب کردن درآمد او به دلاری ۲۰ ریال میبینیم که درآمد وی

روزانه حدود ۳۰ دلار میرسد و بدین ترتیب سطح زندگی فعلی وی با سطح زندگی گذشته در دهات قابل مقایسه نیست . زیرا در دهات حد اکثر زمین کشاوری ۶ تا ۷ هکتار است . اگر فرض کنیم زمین او پیش از اندازه حاصلخیز بود و وحد اکثر از هر هکتار زمین حدود ۳ تن گندم برداشت نماید ، و اگر تمام زمین خود را به زیر کشت ببرد ، کل محصول سالانه او ۱۲ تن تجاوز نمیکند و چون آنرا با قیمت رسمی دولت یعنی کیلو ۴۰۰ ریال میفروشد ، روزانه مبلغی در حدود ۱۳۰۰ ریال درآمد دارد . البته نباید فراموش کنیم که کشاوری احتیاجات خود را با قیمت آزاد (هر دلار ۵۷۰ ریال) میخرد . با این حساب سرانگشتی اگر درآمد وی را به نرخ آزاد تقسیم کنیم ، در آمد روزانه او مبلغی معادل ۲/۵ دلار میشود . با توجه به نکات فوق لیست هجوم جمعیت از دهات به شهرها را بیشتر درک مینمائیم .

هجوم همیشه از انداز جمعیت از دهات به شهرها همراه با رشد جمعیت که هر سال حدود ۴ درصد بر میزان آن افزوده میشود ، مسئلهای قابل توجه است . با توجه به درصد رشد سالانه ، جمعیت چهل میلیونی ایران تا بیست سال دیگر به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید . شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران ، به علت در آلودن امکانات مالی بیشتر و افزایش جمعیت با رشد زیاد جمعیت روبرو هستند برای مثال شهر تهران با جمعیت ۴ میلیونی خود در سال ۱۳۵۷ ، در سال ۱۳۶۲ به ۸ میلیون نفر رشد یافته و روند جمعیت تهران هر سه سال برابر میشود . یعنی در سال ۱۳۶۲ جمعیت تهران بالغ بر ۱۶ میلیون نفر خواهد شد . با در نظر گرفتن جمعیت کل کشور در این سال که حدود ۵۰ میلیون نفر خواهد بود ، باید یک حساب سرانگشتی معلوم میشود که حدود ۲۲ درصد جمعیت کل کشور ساکن پایتخت هستند . در پایان ، نویسندگان

مقاله برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی که در آنها آن روبرو است ، ضمن پیشنهاد آزاد گذاشتن خرید و فروش ارز به چگونگی انجام اینکار و مشکلاتی که با پیاده کردن آن بوجود خواهد آمد ، میباید از برای جلوگیری از وقوع مشکلاتی که در اثر آزاد گذاشتن نرخ ارز پدید می آید ، انجام اقداماتی را توصیه مینماید .

نویسندگان در قسمتی دیگر از مقاله خویش میگویند: شاید بعضی از افراد که تمایل شدیدی به دولتی شدن اقتصاد و یا مالکیت دولتی دارند بدشان نیاید که با اجرای چنین عمل عجولانه ای (آزاد شدن خرید و فروش ارز) ایجاد یک بهر ریختگی شدیدی در اقتصاد ایران کرد و سپس با مطرح نمودن آن مرد مرا از اجرای اقتصاد اسلامی بترسانند . با توجه به موضوع گمراهیهای جناحهای داخلی رژیم ، بی میباید که مقصود نویسندگان طرفداران "خط امام" است که خواهان دولتی کردن بازار گانی خارجی میباشند . میدانیم در رون حاکمیت در مقابل این جناح ، نظر کسانی قرار دارد که طرفدار اجرای اقتصاد اسلامی در بخش خصوصی میباشند . در قسمتی دیگر از مقاله نویسندگان در مورد نظام اقتصاد دولتی نظر میدهند که هر دولت باید یک نظام سیستم خاص اقتصاد را انتخاب نماید که میتواند این سیستم با سرمایه داری ، یا سوسیالیستی و یا اسلامی (!) باشد . و دولت از یکا بردن قوانین یک سیستم در سیستم دیگر خود داری کند . در اینجا نویسندگان مقاله بار دیگر از جناح رقیب که سیاستهای وی در حاکمیت غالب است ، انتقاد مینماید . در حالی که نویسندگان مقاله برای رهایی و نجات رژیم از گرداب مشکلات ، با در لسوزی تمام پیشنهادات فراوانی را ارائه میدهند ، با توجه به ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی اگر برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی از بهترین

بقیه از صفحه ۸

رابطه حزب توده و راه کارگر

است و در سرکوبهای مردم شرکت نمود و با رژیم همکاری کرد بود و... در همان جلسه نیز با اقلیتی ها گفتیم که باید با این نیرو برخورد ریشه‌ای کرد. به آنان گفتیم مگر اکثریت از درون شما بیرون نیامد، پس باید علل این عمل توضیح داد شود و گرنه با این يك اعلامیه ضد انقلابی خواندن حزب توده هیچ چیزی درست نمیشود. اما عدلت امضا نکردن این اعلامیه اینست که ما در رایسن موقعیت و مرحله حزب توده مراد انقلابی نمیدانیم ولی با آمدن آنان به سئیه نیز مخالف هستیم. پس از سخنان ایشان یکی د یگرازه‌ها د اران اقلیت گفتند : حزب توده و اکثریتی ها و... د سرکوب مردم به طور فعال شرکت داشته و با رژیم همکاری کرده اند آنان نمیتوانند با د ن شمار سرنگونی خیانت‌های خود را توجیه نمایند. و بانگا هر د ن بهرنا مفعلی آنان نیز می بینیم که حتی این برنا م‌شان نیز ضد انقلابی است و تنها آنان د ر حرف خواهان سرنگونی رژیم هستند. حزب توده در رجاء معقدری منفور است و دستش برای همگان روشن شده که بسیاری از برنا م و کارهایش را از طریق و کانال راه کارگر انجام میدهد و راه کارگر عاملی عامل ضد انقلاب شده است. به همین دلیل وقتی ما به حزب توده حمله میکنیم آنان ناراحت میشوند. راه کارگر همانند حزب توده و اکثریت نه خواهان انقلاب بلکه خواهان رفرم است.

پس از این سخنان، هوادار سابق بهیکار صحبت نمود و گفتند : "تا به بحث امروز با بیان این حرف راه کارگر که میگوید حزب توده مراد را این مرحله ضد انقلابی نمیداند مشخص شد. هم اکنون مواضع راه کارگر هیچ فرقی با مواضع حزب توده ندارد. راه کارگر در تمام حرفهایش در رابطه با حزب توده از ماضی بعید استفاده میکند

مثلا میگوید حزب توده مخائن بود است، و یاد سرکوبها شرکت کرد بود و... بدون آنکه آن گذشته را با حال این نیرو ارتباط دهد. ما یک سوال مشخص از راه کارگر داریم و آن اینست که نظرشان در رابطه با حزب توده در لحظه کنونی چیست؟ - بدون آنکه به بحث آیند ما این نیرو و با چگونه ماهیت حزب توده وارد شویم - راه کارگر بیان میکند باید با حزب توده برخورد ریشه‌ای نمود، اما وقتی از آنان میپرسیم نظرشان در رابطه با این نیرو چیست میگوید ضد انقلابی کسی نیست، شاید بینابینی باشد و... عجب برخورد ریشه‌ای! اما نکته د یگرا اینکه اگر راه کارگر حزب توده مراد انقلابی نمیداند پس چرا این نیرو د ر سئیه حضورند اشتباهند

مگر وظیفه کمونیستها اتفاقا این نیست که يك نیروی بینابینی را به طرف خود جذب کرد و از نتایج انقلابی آن نهایت د رجه استفاده را نمایند. راه کارگر که چنین پتانسیلی را د ر حزب توده می بیند پس چرا خواستار جلوگیری از آمدن توده‌های هابسیته میشود؟ که یکی از هواداران راه کارگر گفت : این به خود مان مربوط است و خود مان میدانیم که کی و چگونه اعلامیه بدیم. هوادار سابق بهیکار گفت : من هم از خود شما نظرستان را پرسیدم. چرا اعلامیه نمیدید و موضعگیری صریح و مشخص خود را د ر این مورد علنا بیان نمیکنید؟ این بحث د ر حد و د یگر به ساعت ۳ به پایان رسید □

بقیه از صفحه ۱۲

خشت اول چون نهد

راه‌حله‌ها استفاده نشود، امکانپذیر نیست که بتوان از این راه‌حله‌ها د رجعت منافع مردم استفاده کرد و اقتصاد کشور را "شکوفان" نمود.

سوالی که مطرح میشود اینست که چرا طرفداران نهضت آزادی و حجتیه - با وجود اینکه از جناح رقیب ضربات فراوانی را متحمل شده و د ر طی ۶ سال گذشته اکثر اهرمهای قدرت را از دست دادند - هنوز به همکاری با رژیم ادامه میدهند؟ ضرب المثلی است معروف که میگوید :

خشت اول چون نهد معمار کج

تا شریا میروند د یوار کج

از آقای نوروزی و سایر طرفداران "نهضت آزادی" و حجتیه باید پرسید که به چه دلیل از رژیم قطع امید نمیکنند و امید دارند د یواری که د ر ابتدا ابا یه آن کج گذاشته شد است را بعد از ۶ سال بتوانند راست نمایند؟ آیا جز اینست که آنان د ر نهادن آن خشت اول

همکاری داشته و د رجائات رژیم سپهیم میباشند و چون منافعشان د ر گرواد امسه حیات رژیم است کوشش میکنند با ارائه راه‌حلهایی رژیم را ازین بست مشکلات رهائی بخشند.

با توجه به نکات گفته شد در مقاله بار د یگرا بت میشود رژیم خمینی تحت هیچ عنوان نمیتواند مشکلات اقتصادی و اجتماعی را که با آن دست به گریبان است، حل نماید. و تنها به علت د ر آمد حاصله از فروش نفت و اتکای کامل خود به این منبع است که میتواند اقتصاد خود را چند صباحی بیشتر از نابودی کامل نجات دهد و نمونه‌ها و آمار د لایل آورد شد در مقاله روشن مینماید که تبلیغات رژیم در زمینه‌های "خود کفایی د ر امر کشاورزی"، "تلاش برای توسعه اقتصاد"، "گسترش صادرات مواد غیر نفتی" و... شعارهایی توخالی بیش نیستند □

نیلوفر مولوی

نگاهی بر

مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور

درگیری بسود دشمن اصلی، رژیم خمینی است.

شورای ملی مقاومت در باره درگیری‌های بین حزب دمکرات کردستان ایران و کومله اطلاعاتی در تاریخ ۱۷ خرداد ۶۴ منتشر نمود. در این اطلاعیه شورای ملی مقاومت بدرستی اذعان نموده که این درگیری‌ها به بسود دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم خمینی می‌باشد. در قسمتی از اطلاعیه آمده است:

"چنین است که درگیری‌های خونین گروهی در کردستان از یکسو تاثر عمیق و دل‌سردی مردم محنتکش کرد و از سوی دیگر شادی دشمن اصلی تمام مردم ایران - یعنی دیکتاتوری ارتجاعی خمینی که دقیقاً خواستار چنین درگیری‌هایی است - را برانگیخته است."

لازمه یادآوری است با اینکه شورای ملی مقاومت رژیم خمینی را دشمن اصلی مردم به حساب می‌آورد، اما در عمل در بسیاری از موارد این شعار اساسی را نادیده می‌گیرد. برای نمونه سازمان مجاهدین متاسفانه جز طرفداران خود اکثر نیروهای اپوزیسیون را "ضد انقلاب" قلمداد نموده و به شدیدترین وجهی آنان را بهاد حمله می‌گیرد.

آیا ضد انقلاب شمردن اکثر نیروهای اپوزیسیون موجب تشدید تضادهای

فرعی نمی‌گردد؟ امید است شورای ملی مقاومت با توجه کافی به این امر مهم، در راه حل و رفع آن کوشش نماید.

آزادی طرفداران حزب دمکرات از زندانهای کومله

اخیراً نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومله طی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۵ اردیبهشت تا ۴ خرداد ۶۴، آزادی ۸ تن از طرفداران حزب دمکرات کردستان که در درگیری‌های اخیر بین دو نیروی عمده در کردستان دستگیر شده بودند را اعلام نمود. در قسمتهایی از این اطلاعیه آمده است: "بنابسیاست انقلابی کومله در برخورد به اسرای جنگی هشت تن دیگر از افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان درگیری‌های اخیر جنوب کردستان به اسارت پیشمرگان درآمد بودند، صبح ۱۱ خرداد آزادی کردند. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیز یکی دیگر از افراد مسلح حزب دمکرات بنام اسماعیل احمدزاده که در جریان یک درگیری در روستائی از توابع بوکان به اسارت پیشمرگان کومله درآمد بود، از زندان آزاد شد. از مجموع افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان درگیری‌های واقع میان طرفین در نواحی مختلف کردستان به اسارت پیشمرگان

کومله درآمد هاند، تاکنون، ۲ نفرشان آزاد گشته‌اند. در شرایطی که متأسفانه جنگ برادر-کشی بین حزب دمکرات کردستان و کومله بعنوان دنیروی عمده در کردستان تاسف و تالم کلیه آزاد یخواهان ایران را فراهم آورد و تنها دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی را خشنود نموده است، آزادی ۸ تن از طرفداران حزب دمکرات کردستان از جانب کومله اقدامی است پرارزش و درخور تحسین! امید است هر دو نیروی رزمنده با اتخاذ سیاست‌های واقع بینانه و با توجه به این امر حیاتی و مهم که رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران می‌باشد، به درگیری‌هایی که تنها دشمن از آن بهره می‌جوید خاتمه داد و وفوراد رگه مناطق اعلام آتش بس نمایند.

حمله به چریک‌های اقلیت!

هواداران سازمان چریک‌های فدایی (اقلیت) در امارات در تاریخ ۹/۵/۶۴ در رابطه با درگیری‌های اخیر چند تن از هواداران خود با تعدادی از افراد توده‌ای و اکثریتی اعلامیه‌ای منتشر نمود هاند و در آن با اشاره به خلاصه‌ی درگیری‌های فوق بمعرفی عوامل و عناصری پیرا اخته‌اند که در تجاوز و حمله به خانه‌سکونی هواداران چریک‌های اقلیت نقش داشته‌اند. مسلماً چنین بقیه در صفحه مقابل

بقیه: نگاهی بر مطبوعات و . . .

شیوه‌های از نظر کلیه نیروها و افراد آزاد بخواه
ود مکررات محکوم است. مدتهاست که عوامل
مشکوکی بهسبک و شیوه مرسوم "حزب الله"
در خارج از کشور در بین گروه‌های مختلف
اپوزیسیون از طرق گوناگون با توسل به
روشهای تطمیع و تهدید بهانه‌ها و آزار و
تعقیب نیروهای جدی و مبارز پر اخته و در
مواردی نیز با حمله فکلی گرانده ضرب و شتم
و مجروح کردن نشان میبرد ازند. تا از این
طریق طرف مورد نظر را مرعوب و مطمیع
نمایند و یا در صورت عدم سازش و مقاومت،

و ضمنی بوجود میآورند که آنان را به سکوت و
انفعال بکشانند و مانع فعالیت نیروهای
مبارز آزاد بخواهی گردند، که خطر جدی
برای رژیم محسوب میشوند.
حال با در نظر داشتن چنین شیوه ضد
د مکرراتیک و فاشیستی که عوامل پنهان و
آشکار رژیم بدان متوسل میگردد، متأسفانه
باید گفت برخورد هایی از نوع تجاوز و تهاجم
عناصر تودهای - اگر بی بهره از چریکها
اقلیت مسلما جز در خدمت اهداف رژیم
جمهوری اسلامی نخواهد بود. در نسیل
متن اطلاعیه فوق در این رابطه آورده میشود:

ساعت ۹/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۷ مه ۸۵ به دنبال یک مشاجره بین یکی از هواداران
سجفا در دانشگاه و یکی از اکثریتی‌های خائن در اتوبوس و درگیری مختصری بین دو نفر مذکور
ساعت ۱۰ همان شب تعدادی متجاوزان زده نفر از عوامل توده‌ای و اکثریتی مسلح به کار دجا فو،
زنجیرا زد و طرف به منزل مسکونی یکی از هواداران در شهر سیله کمپور حمله کرده و با شکستن شیشه
های درب ورودی به داخل ساختمان رفته و با نفاش و بیان رکیک ترین الفاظ به مسروفرزندان
و میهمانان او شروع به ضرب و جرح نموده و با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد خانواده رفیق
هوادار آغزایک درگیری دامنه دار را اعلام نمودند.

افرادیکه چندی پیش در داخل ایران به نام حزب الله و در صفوف حزب الله دست به
چنین اعمالی میزدند اکنون در دانشگاه همان رسالت را برای خود قائل شده اند. به محض
شنیدن صدای شکستن شیشه‌ها و عریده کشی توده‌ایها و اکثریتی‌ها همسایه‌های دانشگاهی از
خانه‌هایشان خارج شده و بعضی از آنها تلفنی ما را به پلیس اطلاع دادند. اما ما همین
با رسیدن پلیس متواری شدیم و پلیس با بقایای آنچه که اتفاق افتاده بود روبرو گردید و
اقدام به تحقیق در مورد حادثه نمود.

حرکت‌های او با شان اکثریتی به نام‌های جمشید، تورج، عباس و سایر خائنین به خلق
در حقیقت ادامه سیاست تبهکارانه و ضد انقلابی حزب توده و اکثریتی‌های خائن می‌باشد که در
ضدیت با نیروهای انقلابی و در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته صورت گرفته
است. شرارتها شیکه بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز توسط مزدوران
رژیم و عناصر توده‌ای - اکثریتی بر علیه مبارزات نیروهای انقلابی و توده‌های مردم بکار
گرفته شده است.

روز ۲۸ مه ۸۵ ساعت ۱۱/۵ صبح مجددا همان افراد به همراه عده دیگری از خائنین
توده‌ای - اکثریتی در ایستگاه اتوبوس در مرکز شهر به سه نفر از هواداران سازمان با کار و
چاقو و . . . حمله نمودند که در نتیجه در ضمن درگیری میان آنها و دفاع رفقا از خودشان درون
از رفقای هوادار توسط پلیس دستگیر شدند.

واقع بینی حزب د مکررات در مسرود

چگونگی آغاز جنگ ایران و عراق

کردستان شماره ۱۰۳ اسفند ۶۳ با واقع بینی
بهررسی چگونگی آغاز جنگ میبرد از ۲۰۰ در
قسمتهایی از مقاله آمد ماست:
" . . . ما هم پیش از هجو مسریان عراقی
بد داخل ایران، سران جمهوری اسلامی
مقدمات این جنگ را فراهم کرد بودند.
طرح شعار عجبیب صد و انقلاب از طریق
نظامی و اعمال تحریک آمیزی که در مناطق

در شرایطی که پس از قریب به ۵ سال
جنگ، هنوز بسیاری از سازمانها، گروهها
و افراد در درون اپوزیسیون قادر به تشخیص
علل اصلی بوجود آمدن جنگ ایران و عراق
نیستند و موضعگیریهایی بخایت انحرافی
در مورد جنگ ایران و عراق اتخاذ میکنند،
حزب د مکررات کردستان ایران در مقاله‌های
تحت عنوان " رژیم خمینی و در راهی جنگ"

مرزی علیه ما یگا هسای عراقی صورت میدادی،
همگی در راستای ما اجرا در آوردن افکار
توسعه طلبانه‌ای بود که چون خور مجسان
خمینی افتاد بود . . . سرکوبی سازمانهای
سیاسی مخالف رژیم یکی از هده فهای بود
که شروع جنگ ایران و عراق شرایط مساعد
را برای آن فراهم میکرد . . . و درنگهد داشتن
ارتش از پایتخت و سایر مراکز بزرگ شهری
یکی دیگر از هده فهای بود که خمینی و دارو
د ستوهی برای نیل بآن دنبال بهانه موجه
نمائی میگشتند. تعرض نیروهای عراقی
این فرصت را برایشان فراهم کرد. آنها با

اعزام ارتش به جبهه‌ها و سرگرم ساختن آن در
جنگ با عراق هم خطر کودتای را از جانب
ارتش خنثی نمودند و هم با درگیر ساختن
نیروهای ارتش در جنگ با عراق تا آنجا که
توانستند در تضعیف آن کوشیدند . . .

روزی که سریران عراقی از مرز بین المللی میان
ایران و عراق گذشتند و بخشهایی از کشور ما
را در خونستان و کردستان به اشغال خود

در آوردند، آخوند های حاکم و در را س
آنها خمینی از شادی در ریوست نمی گنجیند
زیرا مسئله‌ای که مدتها بود انتظارش را
میکشیدند به حقیقت پیوسته بود. بی جهت

نیست که خمینی چند روز پس از این واقعه
جنگ را موهبتی آسمانی قلمداد نمود . . .

کارگزاران و مبلغین جمهوری اسلامی چهره
واقعی رژیم را در پس پرده ضحکی از زبان کاری
و شعارهای مطنطن پوشاند نمودند و هنوز
بسیاری از سازمانهای سیاسی در مسرود

ماهیت رژیم و نیات د روزی خمینی و اطرافیان
وی در توهم پسر میبردند. از اینرو . . . نه
فقط پیروان تضعیب آخوند ها بلکه اکثریت

قریب با اتفاق اعضا و هواداران سازمانهای
مبارز و انقلابی نیز راهی جبهه‌ها شدند .
در واقع " دفاع از میهن" بصورت سابقهای
در آمد نمود که همگان از ترس عقب ماندن از
بقیه د صفحه ۱۶

بقیه از صفحه ۷

روضه خوانی ابریشمچی

مرد به شکست و ناگامی نیا نجامید هاست ؟
 و آن عناصر صادقی که زمانی از رژیم خمینی
 بشدت حمایت مینمودند پس از آگاهی و
 روشن شدن از حقایق بر علیه رژیم مبارزه
 برنخواستند ؟
 آیا رهبری سازمان نباید این مسئله را
 در نظر بگیرد که با برقراری روابط غیر
 دموکراتیک و رواج تعصب و گمراهی
 موجبات به خطر افتادن حیات سیاسی و
 در نتیجه منزوی شدن خود را فراهم
 می آورد ؟

معیار انقلابی و ضد انقلابی بودن

یکی دیگر از نکات قابل توجه در سخنرانی
 آقای ابریشمچی بیان یکسری تمهیدات و
 افتراها و شعارهای بی محتوا بود . بطوریکه
 بشدیدترین وجهی تمام گروهها و سازمانها
 مخالفت خود را با اقدامات اخیر سازمان
 ابراز نمودند ، راهبها حمله گرفته و آنان
 را "ضد انقلابی" نامید . در اینجا باید از
 ایشان سوال کرد که معیار انقلابی بودن
 و یا "ضد انقلابی بودن" از نظر سازمان
 مجاهدین چیست ؟ آیا اگر نیروی فردی به
 مخالفت با خط مشی انحرافی رهبری
 سازمان مجاهدین برخیزد ، درجه سه
 "ضد انقلاب" قرار دارد ؟ و یا برعکس اگر به
 دفاع از مواضع سازمان مجاهدین برخاسته
 و یا در این مورد سیاست سکوت را اتخاذ
 نماید ، "انقلابی" میباشد ؟ ابریشمچی
 در بخشی از سخنان خود در رابطه با
 اقدامات اخیر سازمان بیان کرد : احزاب
 قائلان سیاسی درک بهتری را از این
 مسائل داشته اند . باید از وی پرسید
 منظور از "احزاب قائلان سیاسی" کدامین

بقیه از صفحه ۶

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

اصلی مردم ایران رژیم جمهوری اسلامی
 است ، بالاخره حزب توده ایران جزء
 اپوزیسیون قرار دارد یا نه ؟ آیا در صورتی
 که - چه خواهیم چه نخواهیم - حزب
 توده خود را از درون بر اپوزیسیون تحمیل
 نموده و از نفوذ رهبر شد و موقعیت
 ویژه ای برخوردار است و طرفداران و
 اعضای در شکلهای گوناگون در خلفا
 در همه جا ناظر و مواظب هستند ، میتوانیم
 بگوئیم : حزب توده را درون اپوزیسیون
 بی در و بی کتر نباید راه داد ؟ در جواب
 باید گفت :

خانه زبای بست ویران است

خواجه دریند نقش ایوان است

توده ایها هستند ! آنان در درون

اپوزیسیون با کمال قدرت وجود دارند !

برخی از همین آقایان روشنفکران ،

"پیشرفتهای" که من و شما را گمراه ساخت

سخنان در فریب گرد هم میاورند و از

"عزت و احترام" فراوانی در بین ایرانیان

برخورد دارند و نامشان بر سر هر کوی و
 برزی و عکشان زیننده صفحات نشرها
 اپوزیسیون است ، همان سفیران و
 پیام آوران حزب توده هستند که بدون
 اجازه آنها آب هم نمیتوانند بخورند .
 پس چه باید کرد ؟ آزاد یخواهان ایرا
 ن به کجا باید روی آورند ؟ از چه کسی
 مدد جویند ؟ آزاد یخواهان ایران
 باید بی برند که بخود متکی گردند و
 جدا از سایر دشمنان ایران متحد
 گردند و طرحی تود را نندازند . □

جمشید آریانی

یادداشتها

۱ - "نامه مردم" شماره ۴۸ ، ۱۲

اردیبهشت ۶۴

۲ - همانجا

۳ - همانجا

به روز از مسیر مبارزات آزاد یخواهان ملت
 ایران در خواهند گردید . □

س . بزرگمهر



دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایید:

SAYADI
 B.P. 211
 92220 BAGNEUX
 CEDEX - FRANCE

احزاب میباشدند؟ و به چه علت دارای
 درک بهتری هستند ؟

در خاتمه از همیاد آوری است که ما

ضمن احترام و ارج نهادن به مبارزات برحق

سازمان مجاهدین بر علیه رژیم و انتقاد از

اشکال عمد هاین سازمان یعنی ادغام بین

در سیاست و سایر روابط غیر دموکراتیک ،

امید داریم که رهبری مجاهدین به این مسئله

توجه نمایند که انتقاد سازنده لزوماً پیشبرد

مبارزات دموکراتیک و آزاد یخواهان

میباشد و رهبری سازمان با برخورد صحیح

و اصولی در حل و رفع اشکالات و انتقادات

موجود اقدام نماید ، در غیر آن صورت روز

بقیه از صفحه ۲۰

اسکندری و تنزل وی

نتوانست از "تخلفات"، "اشتهاها" و "کج روییهای" حزب تود هملنا بهره برداری نماید را میتوان درجه عالی جستجو نمود ؟ آیا دلیل این امر ناشی از تنزل وی نبود که متاسفانه گریبان اکثر رهبران "روشنفکران" ما را گرفته است و مهلت همین تنزل و دگانگی است که بی بینیمد های از رهبران "روشنفکران" کبرخی از آنان رهبری سازمانهای عربی و طوطی را بدست میکشیدند با حاد شدن شرایط مابین و اصولی که میگفتند بدانها معتقد هستند را بر احق زیر پا گذارد و در مسیر غلط قرار گرفتند . مهلت همین دگانگی است که روشنفکران "چپ" و "مترقی" شهادت و بیاری دیدن و بازگشودن واقعات جامعه ایران و نقشی که خود در روی کار آوردن رژیم خمینی ایفا نمودند را ندانند .

ایرج اسکندری نتوانست تا آخر عمر بر تنزل و دگانگی خویش غلبه نماید و بخاطر منافع مرد مایران که با سیاستهای حزب تود همد تضاد بود ، منافع حزبی و شخصی خویش را کنار بگذارد . مهلت همین تنزل ، زمانیکه رژیم خمینی روی کار آمد ، با وجود مخالفت با سیاست همکاری و پشتیبانی حزب تود همد رژیم خمینی که وی نتیجه آنرا یک "فاجعه" میدانست ، در مصاحبه ای با مخبر اومانیه در ۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ (به طور قداری از آخوند ها و روحانیون مترقی "برخواست و بیان نمود : در تعالیم اسلام اصلی وجود ندارد که گفتنها مابین سیاسی حزب ما را نفی نمیکند بلکه موید آنست به همین سبب نقاط مشترک میان حزب ما و تعالیم اسلام کم نیست ."

بی بینیم چگونه اسکندری با وجود آگاهی از این اصل علمی که خالت درین سیاست منجر به نابودی د مکرسی و آزادی میگردد ،

نتوانست خود را از قید سیاست حزب توده در دفاع از "روحانیت مترقی" و "اسلام مبارز" که برای منافع خاصی اعمال میشود ، رها نماید .

اسکندری بعد از برکناریش از دبیر کل حزب تود همد در مقابل تقاضای عد های از همفکرانش که از وی میخواستند در حزب تود همد ست به انشعاب بزنند ، می گفت : "من به حزب خنجر نمی زنم . و متاسفانه هرگز در اقصای علمی سیاستهای حزب توده اقدام نمودم . در صورتیکه این استدلال منطقی نبود و نمیتوانست مانع بیان حقایق باشد . یاد در نظر داشتن ضربه ای که بر پیکر جنبش آزاد بخوانه هملت ایران بطور ملمس و جنبش چپ ایران بطور اخص از جانب رهبران حزب تود همد وارد شده است ، اتفاقاً این انشعاب در خد متعاضد مرد موآرمانی که حزب تود همد را دعای آنرا داشت ، قرار میگرفت . هیبت کها و شهادت و جسارت اینراند است که خود را از قید وابستگیها در طی سالهای دراز فعالیت در حزب توده مانند زنجیری دستهای وی را بستند ، نجات دهد . در راه منافع مرد م کشورمان از تجربیات خود نتیجه گیری نمود و از فاجعه ای که در ایران بوقوع پیوست ، بر

حد توانائیش جلوگیری کند تا از این طریق موجب آگاهی و هوشیاری جوانان بی تجربه و نا آگاهی که فریب شمارهای حزب تود همد را در مورد استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی خورد همدند ، گردد و آنان راه شمار نماید تا در امر روابط غلط حزب تود همد نیفتند . اما اسکندری با عیان نمودن واقعات و حقایق پشت پرده سیاستهای حزب توده و "تخلفات" بی شماری که رهبری آن مرتکب شد همد ، نتوانست یا شاید نخواست در او خر عمر خود نیز وظیفه انسانی و ملی خود را ایفا کرد همد بین طریق درین خود را نسبت به ملت ایران در نماید . شاید این بزرگترین انتقاد می تواند باشد که به اسکندری وارد است .

البته گفته میشود اسکندری در او اخر عمر تحریر "تخلفات" و سیاستهای "خط آمیز" و انحرافی حزب تود همد را شروع نمود همد راین بار همیشه از صد صفحه مطلب نوشته است . اما مرگ به وی مهلت نداد که آنرا به پایان برساند . در صورت چنین امری باید گفت افسوس کها و خیلی در بیرفکر این مسئله افتاد . و اکنون باید از رهبران حزب تود همد انتظار داشت همد شیم که آنرا در دسترس همگان قرار دهند ! الف . شکوهی

ما و خوانندگان :

در ماه گذشته از جانب برخی از سازمانها ، گروهها ، شخصیتها و ستان عزیز نشریات و کتب برای ما ارسال گردید . برخی از مطالب دریافت شده به قرار زیر است :

- ۱- کتاب "کارنامه و زمانه میرزا رضا کرمانی" نوشته خانم همد ناطق
- ۲- جزوه "ماجرای حزب در مکران و کومله"

بقلم آقای احمد رئاسی

- ۳- در جلد اول و دوم کتاب "ختر"
- ۴- "کارنامه فرهنگ و هنر ایران"
- ۵- نشریه "جبهه" ارگان ملیون ایران"
- ۶- شماره های ۳ و ۴ و ۶ اندیشه های "نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی به انضمام اخباری از ایران

باتشکر از لطف همد ستان و سایر عزیزانی که با نامه های محبت آمیز ما را از نظریات خویش مطلع و مورد تشویق قرار داد همد ، برایشان آرزوی موفقیت مینمائیم .

روضه خوانی ابریشمی

چندی پیش وید ثوی سخنران آقای ابریشمی پیرامون "گزارشی از انقلاب ایدئولوژیک . . ." در پارسی به معرض نمایش گذاشته شد. در سخنرانی مزبور روی در واقع نقش يك روضه خوان را ایفا نمود و به مدت چهار ساعت و نیم بطور متوالی به نوحه سرائی پرداخت و تمام سعی و کوشش خود را بکار بست، آسمان و زمین را به هم پیافت و هر وسیله ای متشبه شد تا بتواند از دواج مرد موسعود رجوی زابتابه "انقلاب ایدئولوژیک" توجیه نماید. هم چنین با بکارگیری طرق مختلف مغز شویی از جمله "مظلوم نمائی" و ترتیب دادن مجلس

شیمون وزاری، سعی نمود اعضا "وهوادرانی" را که بخصوص پس از اقدامات اخیر رهبری از سازمان مجاهدین فاصله گرفته و با آنان جدا شده اند را با "شپیج" و "تحریک" نمودن و تحت فشارهای روحی و روانی قرار دادن ببارد بگر جذب سازمان مجاهدین نماید.

در حالیکه هنوز مدت زیادی از نمایش وید ثوی سخنران آقای رجوی و آقای ابریشمی پیرامون همین مسئله سپری نگشته است، ببینیم هدف سازمان مجاهدین از نمایش اخیر وید ثوی سخنران چه بود؟ در این مورد باید گفت پس از انعکاس نظرات

اخیر سازمان در رابطه با مسائل "رهبری" "رهائی زن" "سنطه مکراسی" "انقلاب ایدئولوژیک" (از دواج مریم و سعید) و . . . موج اعتراضات و مخالفتها نسبت به اعمال اخیر رهبری سازمان بخصوص از طرف برخی از اعضا "وهوادران مجاهدین" بالا گرفت، از اینرو سازمان مجاهدین بسن شدت به هراس افتاد و در واقع "مجبور" شد در مقابل عکس العمل اعضا "وهوادران" برنامه جدیدی با ابعاد گسترده تری را برای توجیه اعمال اخیر سازمان ترتیب دهد. در ذیل به شرح قسمتها و نکات مهم جلسه روضه خوانی میپردازیم.

بقیه در صفحه ۷

اسکندری و تنزل وی

در گذشت ایرج اسکندری در سی ام آوریل گذشته، ببارد بگر موجب گردید به نقش وی در اجرای سیاستهای حزب توده در طی بیش از چهل و سه سال فعالیت در آن حزب به تعمق بپردازیم. وی که یکی از بنیانگذاران حزب توده بود، علاوه بر عضویت در رهیت سیاسی و اجرایی حزب برای مدت ۹ سال در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ یعنی مدتی قبل از روی کار آمدن رژیم خمینی سمت دبیر کلی حزب را نیز بر عهده داشت.

در دوران حیات ایرج اسکندری باید بد آمدن تحولات و وقایع تاریخی پس عظیمی همچون انقلاب کبیرا کبیر، جنگ جهانی اول و دوم و مواجهمود که موجب درگرونیهای بسیار و ایجاد و گسترش جنبشهای آزاد بپخش

در سطح جهانی گردید. در این دوران بسیاری از کشورهای جهان استقلال خود را بدست آوردند. وی بنا به موقعیت و شرایط خانوادگی خود، فرصت یافت نمود در عنوان جوانی برای ادامه تحصیلات به فرانسه آمدن و از نزدیک با اشعرات و نتایج بسیار شگرفی که در سطح جهانی بوقوع پیوسته بود، آشنا شود. اما متاسفانه اسکندری با شناخت و آگاهی از این همه متجارب تاریخی سیاسی و اجتماعی نتوانست نتیجه گیری صحیح نمود و او از آنها در زندگی سیاسی خود در جهت منافع کشور و مردم ایسران بهره گیری ننماید. زیرا زمانیکه متوجه شد حزب توده راه "خطا" می رود، علناً مخالفتش را بر علیه سیاستهای مخرب و "خطا آمیز" حزب ابراز نمود. ایرج اسکندری بارها

مخالفت خود را با "جریانهای ناسالم" درونی حزب توده ابراز نمود. و چنانچه در رنایهای که در شماره ۷۴ کیهان چاپ شدند درج گردید، هاست، وی ضمن ابراز اینکها باید بین حزب توده در اوایل دوران بوجسود آمدنش و حزب توده های که بعد ها توسط "جریانهای ناسالمی" عملاً بصورت "عالمی" منفعل درآمده، فرق گذاشت، مینویسد امروز دیگر مخالفت و مقاومت و مبارزات من در برابر عواملی که کوشید هاند سازمان حزبی را به سیریکشانند که استقلال حزب تملر دارد برکسی پوشید نیست. اما علت اینکها اسکندری بنا بر موقعیت خود در حزب توده و اطلاع از جریانات درونی حزب

بقیه در صفحه ۱۹